

رازی‌شناسی در عصر حاضر*

دکتر پرویز اندکانی**

شناخت علمی حکیم محمد بن زکریای رازی، نظر به دو نیمرخ درخشان و برجسته وی، یکی چهره پزشکی و دیگر سیمای فلسفی‌اش، هم از دیرباز تا امروز مورد توجه بوده است؛ منتها چون تحقیق حاضر در این کتاب (حکیم رازی) تنها ناظر به سیمای فلسفی یا بررسی حکمت طبیعی و نظام فکری اوست، بحث در باب جنبه طبّی حکیم ری و یا رازی‌شناسی پزشکی، طبعاً از حیطة مختار و معین موضوعی ما بیرون باشد، اگر چه کمابیش ناگزیر از اشارت به برخی آثار هم در زمینه پزشکی رازی هستیم. اما نخستین اثر رازی‌شناسی همانا از خود حکیم رازی پدید آمده، که با تأثر از «سیره»‌های رایج سقراط حکیم همچون پیشوای فلسفی‌اش، و به مثابت خود - زیستنگاری (autobiography) کتاب سیرت فلسفی را در شرح حیات علمی و عملی خویش، با دفاع از مقام «فیلسوف» بودگی‌اش نوشت. هم‌چنین، رساله «فهرست» آثار (Bibliography) خویش را چنان‌که گذشت، نیز به پیروی از «پیناکس» (= سیاهه کارهای) جالینوس، همچون پیشوای نامداری در دانش پزشکی‌اش نوشت. آنگاه، ابن‌ندیم (م ۳۸۰ ق) شرح مختصری از احوال و «فهرست» آثار حکیم ری را در کتاب الفهرست خود آورد؛ سپس ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ ق) با تألیف فهرست کتابهای رازی در مقدمه فهرست آثار خویش، هم با دیباچه‌ای در شرح مقامات و مجاهدات علمی رازی، در حقیقت پایه‌گذار رازی‌شناسی در جهان دانش و حکمت شد. دو سده پس از او، جمال‌الدین

*. گفتار حاضر بهی است از فصل یکم کتاب حکیم رازی (حکمت طبیعی و نظام فلسفی محمد بن زکریای صیرفی / ۲۵۱ - ۳۱۳ هـ. ق) که تحت طبع است. ** عضو هیئت تحریریه آینه میراث.

قفطی (م ۶۴۶ ق) در تاریخ الحکماء خود، احوال و آثار حکیم رازی را در جزو فلاسفه فرامود؛ و شاگردش ابن ابی اَصْبِیْعَه (م ۶۶۸ ق) در تاریخ پزشکان خود طبقات الاطباء بیشتر و به شرح تر احوال و آثار رازی را پژوهید و به دست داد. هم در آن زمان، زیستنگار نامدار «ابن خَلْکَانَ» (۶۰۸ - ۶۸۱ ه) در کتاب معروف وَفِیَاتِ الْاِیْمَانِ خود، خیلی مختصر به شرح حال آن حکیم «سرشناس» بسنده کرد. اما در قطر شرقی جهان اسلام، یکی به سبب ترکتازی و ویرانگری و کتابسوزی های ترکان و مغولان، که بر عصر طلایی تمدن ایران دوره اسلامی نقطه پایان گذاشتند؛ و دیگر همانا به علت استیلای اعتقادات اسماعیلی قائل به «وحدت دین و عقل» (که خلاف نظر حکیم رازی است) و سلطه دائم سران و صاحب نظران آن فرقه مثل ابوعلی ابن سینا و بعدها هم نصیرالدین طوسی، در مورد شخصیت علمی و فلسفی دو تن از نوابغ کبیر ایرانی - یعنی - حکیم زکریای رازی و علامه ابوریحان بیرونی عمداً «توطئه سکوت» به عمل آمد، تا آن که در سده واپسین دانشمندان آزاده شرق شناس اروپایی یک چنین توطئه خائنانانه و عامدانه اسماعیلی را در هم شکستند.

البته سابقه رازی شناسی در اروپا به دروه قرون وسطا می رسد، بازگرد به سده سیزدهم (م) که کتاب الحاوی (فی الطب) را دانشمند پزشک یهودی فرج بن سلیم (farragut) سیسیلی در سال ۱۲۷۹ تحت عنوان Continents به لاتینی ترجمه کرد، نیز «آبراهام بن سولومون» اویگدور (A. Avigdor) خاخام زاده یهودی در فرانسه (ن ۲ س ۱۴ م) و طبیب مترجم معروف، بخش هایی از آثار رازی و ابن سینا را به لاتین ترجمه کرد؛ کتاب المنصوری (Liber Almansoris) را مترجم مشهور جرارد کرمونایی در سال ۱۴۸۱ به لاتینی ترجمه کرد؛ هم چنین کتابهای طبّی الملوکّی (Liber Regius) و الحصبه و الجدری (Rhazac de Pestilentia) به لاتینی ترجمه شد، بالجمله مورد مطالعه و استفاده علمی اطباء و طلاب پزشکی در اروپا قرار گرفت؛ و سپس با اختراع صنعت چاپ از جمله آثار اولیه مطبوع همانا کتابهای مزبور به طبع رسید، چنان که اثر عظیم الحاوی برای نخستین بار به سال ۱۴۸۶ (در برسیکا) و به طور کامل پنج بار بین سالهای ۱۴۸۸ - ۱۵۴۲ چاپ شد؛ کتابهای دیگر هم از دهه های پایانی سده ۱۵ و طی قرن شانزدهم هر کدام هفت تا ده بار به چاپ رسیدند، در پی انتشار آثار مزبور نیز ترجمه های آنها به زبانهای گوناگون اروپایی تداول یافت و همچنان مکرر چاپ شدند. کتابهای رازی قرنها در دانشکده های پزشکی معروف اروپا تدریس می شد چنان که

مثلاً در سال ۱۳۹۵ کتاب الحاوی یکی از نه کتاب دانشکده پزشکی پاریس بود، نیز مقاله نهم کتاب المنصوری او تا پایان سده پانزدهم جزوی از برنامه دروس دانشگاه توینگن آلمان محسوب می‌شد. آوازه حکیم رازی در اروپا به حدی بود که شاعر انگلیسی جفری چاسر G. Chaucer (۱۳۴۰ - ۱۴۰۰ م) در قطعه «دکتر طب» خود نام او (Rasis) را جزو شخصیت‌های برجسته و ارزنده علمی یاد کرده است.^۱ جورج سارتون گوید که بقراط مهمترین عملی که انجام داد، این بود که طرز نگرش و روش علمی را در معالجه بیمارها وارد کرد؛ پس از او این روش - یعنی - ثبت برداشتن و گردآوری گزارش‌های بالینی ادامه نیافت؛ سرگذشت‌هایی که جالینوس نقل کرده بسیار درجه پایین‌تری دارد، بعد از جالینوس دیگر تا زمان «رازی» چنین گزارش‌هایی دیده نمی‌شود.^۲ اقبال به آثار حکیم رازی در دوره نوزایی فرهنگی اروپا، آغاز عصر تجربه‌گرایی و پس از آن هم بدین موجب بود. بر روی هم، حکیم رازی تا سده بیستم در دنیای علم به عنوان یک طبیب چیره‌دست شناخته آمده بود، که توانسته است میراث علمی گذشتگان را به طور منظم و قابل استفاده در دسترس جویندگان دانش قرار دهد؛ ولی افکار فلسفی و اخلاقی او کمتر مورد توجه شده بود، تا آن‌که دانشمندان شرق‌شناس حکمت پیشه اروپایی پس از شناسایی ابوریحان بیرونی و آثارش در پی شناخت استاد مکتبی وی هم برآمدند.

۱. گ. رانکنینگ (G.S.A. Ranking) نخستین کسی است که تحلیلی از حیات و آثار رازی مبتنی بر منابع شرقی به ویژه «ابن ابی اصیبعه» و «فهرست کتب رازی»، به عنوان زندگی و کارهای رازی در هفدهمین همایش جهانی پزشکی (لندن، ۱۹۱۳ م) ارائه نموده است.^۳

۲. ادوار براون (E.G. Browne) نخستین کسی که در کتاب طب اسلامی خود (کمبریج، ۱۹۲۱) تنها جنبه طبّی حکیم رازی را بررسی کرد.^۴

۳. ژولیوس روسکا (J. Ruska) شرق‌شناس آلمانی و محقق علوم طبیعی که در مطالعات راجع به کیمیا / شیمی حکیم رازی متفرد است، نخست پژوهش‌ها درباره رازی را طی سالهای ۱۹۲۲ - ۱۹۲۴ در مجلات شرقی آلمان نشر کرد؛ آنگاه گفتار «نوشته بیرونی همچون منبعی برای احوال و آثار رازی» (مجله ایزیس / ۱۹۲۳، ص ۲۶ - ۵۰) که ترجمه «فهرست کتابهای رازی» را هم دربردارد، گفتار درباره وضع کنونی رازی پژوهی (۱۹۲۴) که راجع به تحقیقات غربی و مسائل مربوط به آثار رازی

است، گفتار کیمیا/ شیمی رازی (مجله اسلام، ۱۹۳۵، ص ۲۸۱-۳۱۹) و طبع و ترجمه و شرح کتاب سزّ الاسرار رازی (مجله مطالعات تاریخ علوم طبیعی و طبّی، هایدلبرگ، ۴، ۱۹۳۵، ص ۱-۸۷ و ۱۵۳-۲۳۸، ۶، ۱۹۳۷، ص ۱-۲۴۶) که به صورت کتاب مستقل هم (برلین، ۱۹۵۵) تجدید چاپ شده است.^۵

۴. ت. ج. دی بور (T.J. De Boer) هلندی استاد فلسفه دانشگاه آمستردام (۱۸۶۶-۱۹۴۲ م) نخستین دانشمند اروپایی است که اهمیت جوانب فلسفی حکیم رازی را دریافت، پس مقالتی جامع به عنوان طبّ روحانی رازی نوشت، که ضمن بررسی و نقل خلاصه‌ای از کتاب مزبور بهری از کتاب سیرت فلسفی رازی هم به نقل آورد (مجله فرهنگستان علوم هند / ۱۹۲۰، ص ۱-۱۷). دی بور، هم چنین در کتاب گرانمایه تاریخ فلسفه در اسلام (اشتوتگارت، ۱۹۰۱ / ۱۹۲۱ م) که هم به انگلیسی ترجمه شده (لندن، ۱۹۰۳ / ۱۹۳۳)^۶ و هم دانشمند مصری استاد محمد عبدالهادی ابوزید آن را به عربی ترجمه کرده (القاهره، ۱۹۳۸؛ چاپ ۴، ۱۹۷۵ م / ۱۳۷۷ ق) در فصل یکم (- فلسفه طبیعی) از باب سوم (- فلسفه فیثاغوری) شرحی جامع از حکمت دهری - طبیعی و اخلاقی حکیم رازی فرانموده است.

۵. پاول کراوس (P. Kraus) اتریشی دانشمند شرق شناس یهودی (۱۹۰۲ - ۱۹۴۴ م) که از نوایع علمی به شمار آمده، متخصص در فلسفه و علوم دوران اسلامی و بزرگ‌ترین رازی شناس که با تتبع و طبع و نشر آثار فلسفی آن حکیم ایرانی او را به عنوان یک «فیلسوف» هم به دنیای معاصر شناساند. رازی شناسی در جهان با نام «کراوس» پیوند خورده است، اگر هم عالیّه علمی آن دانشمند جوان و کوشای شرق شناسی نبود، اکنون ما تا بدین حدّ و قدر نسبت به احوال و آثار و افکار رازی آگاهی نداشتیم. البته بهری بزرگ هم از مساعی وی مصروف تحقیق و طبع آثار کیمیایی «جابر بن حیّان» صوفی شد (القاهره / ۱۹۳۵) و نیز آثاری از ابن مقفّع و ابن راوندی و حلاج (زنادقه اسلام) را تحقیق و طبع کرد؛ ولی عمده فعالیت‌های علمی او در دهه آخر حیات وقف بر رازی شناسی شد، از جمله طبع فهرست کتب الرازی ابوریحان بیرونی (پاریس، ۱۹۳۶) و گفتارهای دانشنامه‌گی به زبانهای اروپایی، اما شاهکار وی همانا جمع و تدوین و طبع رسائل فلسفیه محمد بن زکریای رازی (القاهره، ۱۹۳۹) می‌باشد که در واقع جلد یکم محسوب می‌شود^۷، جلد دوم کتاب به طبع نرسید (همچنان به صورت دستنوشته مانده) چون ظاهراً پاول کراوس یکی از قربانیان نازیسم آلمان به شمار است، چه به نحوی

نامعلوم در چهل سالگی ناگزیر از خودکشی در قاهره شد.

۶. سلیمان پینس (S.Pines) آلمانی محقق در تاریخ علوم و فلسفه دوران اسلامی، اشتهار وی بیشتر به واسطه کتاب بهر ذره گرایي اسلامی (برلین، ۱۹۳۶) است، که متضمن نگره اتمی حکیم رازی هم می‌باشد؛ این کتاب را هم استاد محمد عبدالهادی ابوریثه با عنوان مذهب الذرة عندالمسلمین و علاقه بمذاهب اليونان و الهند (و معه فلسفه محمدبن زکریا الرازی) (القاهره، ۱۳۶۵ ق / ۱۹۴۶ م) به عربی ترجمه کرده، که متضمن رساله «اوتو پرتسل» درباره منشأ اعتقاد به جزء لایتجزی خصوصاً در مکتب هندی است. پینس مقالات ممتعی در زمینه تاریخ علم دوران اسلامی نوشته، اما در زمینه رازی‌شناسی هم با شادروان کراوس در نوشتن گفتار «رازی» در دائرة المعارف اسلامی (طبع یکم / بریل) هنباز بود (۱۹۳۶) و نیز درباره شکوک رازی بر جالینوس سخن گفت (هفتمین همایش جهانی تاریخ علم، ۱۹۵۳) و هم گفتار بلند «رازی» را در فرهنگ زیستنامه علمی (ج ۱۱، ۱۹۸۰، ص ۳۲۳-۳۲۶) او نوشته است.^۸

۷. ماکس مایرهوت (M.Meyerhof) از بزرگ‌ترین چشم‌پزشکان جهان و مورخ برجسته پزشکی اسلامی (۱۸۷۴-۱۹۴۵ م) که استاد تاریخ پزشکی در دانشگاه‌های اروپا بود، ولی همچون پاول کراوس در قاهره اقامت گزید و به تحقیق اشتغال ورزید. از جمله آثار پر شمار وی آنچه راجع به حکیم طبیب ری می‌شود، یکی مشاهدات (سی و سه گانه) بالینی رازی (ایزیس، ۱۹۳۵)، فلسفه حکیم رازی (فرهنگ اسلامی، ۱۹۴۱) و اشارات دیگر طی کتاب التراث اليونانی فی الحضارة الاسلامیه (۱۹۴۰) می‌باشد.^۹

۸. گائود فروی - دمومینس (M. Gaudefroy-Demombynes) فرانسوی، استاد زبان عربی و تاریخ و ادب شرقی در پاریس، که رساله رازی فیلسوف را بر اساس آثار اخیر (در مجله تاریخ ادیان / ۱۹۴۱) نوشته است.^{۱۰}

۹. آرتور آربری (A.Arberry) انگلیسی، که کتاب طب روحانی رازی را به انگلیسی ترجمه کرده (۱۹۵۰) با شرح مفیدی که متضمن بخش‌هایی از سیرت فلسفی او هم هست؛ به علاوه آربری در کتاب وحی و عقل در اسلام (۱۹۵۲) هم پیرا-ون ایتال نگره «وحی» و اثبات «عقل» در نزد رازی بحث دقیق نموده است.^{۱۱}

۱۰. جورج سارتون (G.Sarton) بینانگزار مشهور تاریخ علم (م ۱۹۵۶) که نیمه دوم سده نهم میلادی (= نیمه دوم سده سوم هجری) را در تاریخ علم «عصر رازی» نامیده، شرحی مختصر و مفید هم درباره جنبه علمی حکیم ری نوشته است.^{۱۲}

۱۱. سیریل الگود (C.Elgood) انگلیسی محقق و مورخ نامدار «پزشکی ایران» (۱۸۹۲ - ۱۹۷۰ م) که طی فصول پنجم و ششم و هفتم کتاب خود، به نحوی جامع و متین درباره دانش پزشکی رازی و آثار طبّی او بحث کرده است.^{۱۳}
۱۲. پ. ه. شاد (P.H.Shad) [پورهرمان] که گفتار «زکریای رازی فیلسوف مادی و دهری ایران» از او در مجله مسائل فلسفی شوروی (۱۹۵۸) چاپ شده است.^{۱۴}
۱۳. آلبرت زکی اسکندر (A.Z.Iskandar) مصری محقق تاریخ طبّ و مفسرِ نسخ خطّی طبّی عربی، که رساله دانشگاهی او در آکسفورد به عنوان بررسی نوشته‌های پزشکی رازی (۱۹۵۹) بوده است.^{۱۵} اسکندر فهرست نسخه‌های خطّی طبّی کتابخانه «ولکام» لندن را هم تألیف کرده، که طی آن برای نخست بار فاش می‌گردد. ابوعلی سینا کتاب الحاوی حکیم رازی را در کتاب القانون خود سلخ و انتحال نموده است.
۱۴. ریچارد والتزر (R.Walzer) دانشمند آلمانی اصل استاد فلسفه یونانی و اسلامی در دانشگاه آکسفورد، که باب دوم از بهر سوم از فصل یکم کتاب یونانی در عربی گفتارها درباره فلسفه اسلامی او (۱۹۶۲) در باب فلسفه حکیم رازی از برجسته‌ترین پژوهشها در این خصوص است، الا این که استاد والتزر سعی در نشان دادن «نوافلاطونی» بودن آن نظر به صبغه یونانی داشته است.^{۱۶}
۱۵. هانری کُربن (H.Corbin) فرانسوی، دانشمند ایران‌شناس نامدار و استاد حکمت و عرفان ایران در دوره اسلامی، که در باب فلسفه حکیم رازی طی کتاب تاریخ فلسفه اسلامی خود فحوص بلیغ کرده و نظر عمیق ابراز نموده^{۱۷}؛ باید گفت استاد کُربن این کتاب را با همکاری استاد ایرانی دکتر سید حسین نصر و استاد عربی دکتر عثمان یحیی تألیف کرده، که هم به فارسی (توسط اسدالله مبشری) و هم به عربی (توسط نصیر مروّه) ترجمه شده است.
۱۶. عبدالرحمان بدوی (A.Badavi) مصری، دانشمند حکمت پیشه نامدار استاد فلسفه در دانشگاه قاهره، فصل بیست و دوم تاریخ فلسفه در اسلام (ویرایش «م.م. شریف») را درباره «محمد بن زکریای رازی» هم از منظر فلسفی نوشته است.^{۱۸}
۱۷. محمّد فخری (M.Fakhry) که طی گفتار «دهمین سده تفسیر عربی جهان‌شناسی افلاطون» (۱۹۶۸) در باب تأثیر جهان‌شناسی افلاطون بر اندیشه‌های گیتی‌شناخت حکیم رازی پژوهش کرده است.^{۱۹}
۱۸. ال. ای. گودمن (L.E.Goodman) دانشمندی رازی‌شناس از نسل اخیر

شرق‌شناسان، که چندین گفتار مهم دربارهٔ جوانب فلسفی حکیم رازی نوشته: ۱. اخلاق اپیکوری رازی (۱۹۷۱) که گزارشی است در سنجش میان حکمت اپیکوری و حکمت رازی، ۲. معرفه الروح رازی (۱۹۷۲) که گزارش «هبوط نفس» و عمل آن در فلسفه اوست، ۳. افسانه هبوط روح در نزد رازی (۱۹۷۵) که گزارش مشروح آموزهٔ نفس و کارکرد آن در فلسفه اوست، ۴. گفتار جامع «رازی» (۱۹۹۴) در شرح احوال و آثار و افکارش. ۵. نیز گفتار سودمندی در وصف حال و وسعت اندیشهٔ رازی (۱۹۹۶) که تازگی دارد.^{۲۰}

۱۹. فرانز روزنتال (F. Rosenthal) دانشمند اسلام‌شناس پراوازه، که در کتاب میراث قدیم در اسلام (۱۹۷۵) در باب مسئله «لذت و الم» به نزد حکیم رازی، دربارهٔ «نفس» و اقسام آن با تأثیر یونانی، و راجع به مسائل طبّی و محتویات الحاوی بحث کرده است.^{۲۱}

۲۰. جوئل کریمر (J.L. Kraemer) که در کتاب گرانمایهٔ انسانگرایی در نوزایی اسلام (احیای فرهنگی در عهد آل بویه) به ویژه طيّ فصل دوم (- محافل فلسفی) از شاگردان مکتب انسانگرایی حکیم رازی سخن می‌گوید، و در فصل پایانی (تحقیق در باب انسانگرایی در عصر بویان) پیرامون شخصیت فلسفی رازی به عنوان «مشعل» خردگرایی ایران بحث می‌کند. کتاب دیگر جوئل کریمر (که تازگی به فارسی ترجمه شده): فلسفه در عصر رنسانس اسلامی (ابوسلیمان سجستانی و مجلس او) اگر چه گزارش فلسفی پس از حکیم رازی است، مقولات اساسی فلسفه و ایستار مدنی‌اش را جابجای متعرض شده است.^{۲۲}

اما رازی‌شناسی در ایران و در میهن آن حکیم بزرگ ایرانی، اگر ما توانستیم بیست تن دانشمند برجستهٔ اروپایی در این خصوص گزینه‌وار به فهرست آوریم^{۲۳}، اینک شمار برجستگان ایرانی رازی‌شناس از ده تن بیش فرامی‌رود؛ و اگر رازی‌شناسی در اروپا حسب واقع با دانشمندان پزشکی آن دیار آغاز شد، سپس سررشتهٔ بررسی‌ها به دست مورخان علم و طب افتاد، که سرانجام به اهل حکمت هم رسید؛ در ایران باید به یک کلمه گفت که در وهلهٔ اول رازی‌شناسی از «مورخ» آغاز شد و اینک به «مورخ» هم پایان می‌پذیرد، در وهلهٔ ثانی البته استادان «ادب» ولی نه هرگز متفلسف یا مدعیان «فلسفه» و حکمت؛ زیرا که فلسفهٔ مورد ادعای ایشان تاکنون نه با علم، نه با تاریخ، نه با عالم واقع، و نه حتی با «طبیعت» که همهٔ انسانهای عالم از آن فراخاسته و در دامان آن

بالیده‌اند - یعنی - با مادر حیات بشری هم هیچ‌گاه پیوندی نداشته است، و اگر آب به همان جوی می‌رود که تا حال رفته است، امروز هم پیوندی ندارد و در آینده هم نخواهد داشت. فلسفه در نزد مدعیان ایرانی‌اش، هنوز هم چیزی است ماورائی و هسپروتی و هورقلیایی، و نهایتاً همان است که هزار سال پیش «شیخ الرئیس» اسماعیلی سرِ قلم رفته؛ در کمال تأسف باید گفت که حتی «ملاصدرای» پیشرفته‌تر پسین را، هم امروز از زاویه دید همان - به اصطلاح - شیخ الرئیس می‌نگرند. این است که خدا را شکر خوشبختانه، امر خطیر محمد زکریای رازی در دستان نیرومند مورخان واقع‌گرای ایرانی قرار گرفت، یعنی شادروان عباس اقبال آشتیانی، بعد شادروان ذبیح‌الله صفا و سپس شادروان احسان طبری، که اواخر هم دکتر مهدی محقق (ادیب و مورخ علم) بدان پرداخت.

۱. عباس اقبال آشتیانی (۱۲۷۵ - ۱۳۳۴ ش) استاد ادیب و مورخ و محقق ناماور ایران در دوران معاصر، نخستین رازی‌شناس و نویسنده‌ای است که هم یکی از نخستین مقالات وی شرح حال «محمدبن زکریای رازی» در مجله اصول تعلیم (سال ۲، ش ۱، ۱۲۹۹ ش، ص ۱۳ - ۲۰) و پانزده سال بعد گفتار «مقام محمدبن زکریای رازی در فلسفه»، در مجله مهر (سال سوم / ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵، ص ۶۴۹ - ۶۵۹) که هم اینها سپس در مجموعه مقالات اقبال (تهران / ۱۳۵۰، صص ۴۰ - ۵۴ و ۴۳۲ - ۴۴۱) تجدید چاپ شده است. اما کار مهم استاد اقبال در این خصوص همانا ترجمه کتاب سیرت فلسفی محمدبن زکریای رازی است، همراه با ترجمه مقدمه (فرانسوی) پاول کراوس بر آن که در تهران (سال ۱۳۱۵ ش) طبع و نشر یافت؛ آنگاه در سال ۱۳۴۳ ش کمیسیون ملی یونسکو در ایران، همین اثر را به مناسبت هزار و صدمین سال ولایت رازی انتشار داد (ش ۲۳) تا این که دکتر مهدی محقق دیگر بار آن را همراه با متن عربی السیره الفلسفیه (طبع کراوس) و با مقدمه‌ای مشروح بر آن طبع و نشر کرد (تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱).

۲. دکتر محمود نجم‌آبادی، استاد تاریخ پزشکی در ایران و عضو انجمن تاریخ پزشکی (آلمان) که در رازی‌شناسی پزشکی در ایران متفرد است؛ نخستین اثر وی در این خصوص کتاب شرح حال و مقام طبّی محمد بن زکریای رازی (تهران، ۱۳۱۸ ش) و گفتار «رازی نابغه بزرگ ایرانی» (مجله ایران امروز، دوره دوم / سال ۱۲۱۹ ش) بود؛ پس از آن دکتر نجم‌آبادی باز هم درباره رازی پزشک (مجله آینده، ج ۳، سال ۱۳۲۳ -

۲۴. ص ۶۸۶ - ۶۹۱) و مقام طبّی رازی (ملجۀ جهان پزشکی، سال ۱۳۲۶ و سال ۱۳۳۵) نوشت، آنگاه کتاب‌شناسی مؤلفات و مصنفات رازی را تألیف و طبع کرد (دانشگاه تهران، ۱۳۳۹) که بر روی هم فهرست ۲۷۱ عنوان اثر از برای رازی خواه مفقود یا موجود و مطبوع آنها فرانموده است. وی گفتاری هم به عنوان «طبّ روحانی رازی» (مجله مهر، سال ۱۰ / ۱۳۴۳، ص ۹۱ - ۹۴) و گفتارهای دیگری هم درباره پزشکی یا صنعت کیمیا و مقام علمی رازی (هنر و مردم، و جز آن، ۱۳۴۷ - ...) نوشت؛ پس آنگاه که به تألیف تاریخ طبّ در ایران (جلد دوم) پس از اسلام پرداخت (سال ۱۳۵۲) بهری ویژه «رازی» مفرد ساخت (چاپ دوم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴، ص ۳۲۴ - ۴۴۱).

۳. حسین واعظ‌زاده (حکیم الهی) که گفتار بلند «مناظره رازی با ابوحاتم اسماعیلی» را ضمن ترجمه بخش‌هایی از کتاب اعلام النبوة ابوحاتم (که پاول کراوس در فصل ۱۱ رسائل فلسفیه طبع کرده) با مقدمه‌ای ممتنع نوشت (فرهنگ ایران زمین، دفتر دوم / سال ۱۳۳۳، ص ۲۵۴ - ۲۷۱) که به لحاظ رازی‌شناسی فلسفی در زمان خود واجد اهمیت بود.

۴. دکتر ذبیح‌الله صفا (۱۲۹۰ - ۱۳۷۸ ش) استاد ممتاز ادبیات فارسی و مورخ علم و ادب ایرانی، که درباره فلسفه حکیم رازی به شرح موجز در تاریخ علوم و ادبیات ایرانی (تهران، ۱۳۳۵، ص ۸۱) و با تفصیل بیشتر و به نحوی جامع و ممتنع در تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی (دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۳۶، ص ۱۶۵ - ۱۷۹) پژوهش کرده، گفتاری هم به عنوان «عقاید حکمی رازی» (مجله مهر، سال ۱۰ / ۱۳۴۳، ص ۴۲۱ - ۴۲۷؛ ایرانیکا، ش ۱ / ۱۳۴۳، ص ۵ - ۱۳؛ و سالنامه کشور ایران، ش ۲۰ / ۱۳۴۴، ص ۵۷ - ۶۶) نوشته است؛ گزارشهای دکتر صفا درباره احوال و آثار پیروان مکتب رازی، یا دانشمندان علوم عقلی پیوسته با آن نیز جامع و مفید است.

۵. احسان طبری (۱۲۹۵ - ۱۲۶۷ ش) دانشمند پژوهشگر صاحب نظر و اثر در فلسفه مادی ایران، که از جمله مقاله‌ای در شناسایی افکار فلسفی و ماتریالیستی حکیم رازی (مجله فلسفی، نشریه بنیاد فلسفه فرهنگستان اتحاد شوروی، ش ۵، سال ۱۹۵۸) نوشته، گوید هدف مقاله این نکته بود که در قرون وسطای شرق و به ویژه ایران، جریانات قوی ماتریالیستی پدید شده و از این جهت با غرب که در دوران نظیر کاملاً تحت سلطه تئولوژی (= کلام دینی) و ایده‌آلیسم (= مینوگرایی) بوده است -

تفاوت‌هایی دارد. آنگاه طبری در کتاب گرانمایه برخی بررسی‌ها درباره جنبش‌های اجتماعی در ایران (برلین، ۱۳۴۸ / تهران، آلفا، ۱۳۵۸) در بهر «طباعیان - دهریان و اصحاب هیولی» (ص ۲۴۹-۲۶۶ / ص ۳۳۸-۳۵۸) به شرح حکمت دهری و هیولانی ایران‌شهری و رازی پرداخته، انتقادهای ناصر خسرو را هم بر آن مکتب و نظر، نقل و تحلیل کرده است. باید بگوییم که این اثر گرانقدر شادروان طبری را در ایران، تنی چند از سارقان ادبی (که یکی‌شان «مسلح» ساواکی بود) تحت عناوین عوام فریب به نام خود سلخ و انتحال کردند.

۶. دکتر حسنعلی شیبانی (... - ...) استاد شیمی صنعتی در دانشکده علوم دانشگاه تهران، که بر اساس تحقیقات ژولیوس روسکا درباره دانش «شیمی» رازی، دو کتاب مهم کیمیایی وی المدخل التعليمی (دانشگاه تهران، ۱۳۴۶) و کتاب الاسرار (دانشگاه تهران، ۱۳۴۹) را ترجمه و تحقیق و با حواشی سودمند طبع و نشر کرد، نیز گفتار «سرچشمه دانش رازی در صنعت کیمیا» را نوشت (معارف اسلامی، ش ۱۳۴۷/۶، ص ۸۵-۰/۲).

۷. دکتر حسین کریمان (... - ...) استاد تاریخ دانشگاه ملی ایران و تاریخ نگاری و قصران قدیم، در جزو رجال برخاسته از آنجا شرح حال مجمل و مناسبی از حکیم محمد بن زکریای رازی به دست داده است (ری باستان، ج ۲، تهران / ۱۳۴۹، ص ۳۵۴-۳۶۸).

۸. محمد محیط طباطبایی (۱۲۸۱ - ۱۳۷۱ ش) دانشمند محیط و متضلع در تاریخ و ادب و حکمت ایران، از جمله گفتارهای سودمند وی در همایش سالگه حکیم ری، تحت عنوان «محمد بن زکریای رازی پیشاهنگ عصر جدید تجربه» می‌باشد (دوازده مقاله، تهران، ۱۳۵۰، ص ۱۲۷-۱۴۷). استاد محیط طباطبایی پیش از آن هم در روزنامه ایران، مقالات متعددی در شرح حال رازی نوشته بوده؛ و یا مانند «نظری در مقاله آقای حائری» (رسالة فی الأبنه رازی) در ماهنامه وحید (ج ۲، ش ۱۳۴۳/۳ ص ۶۴-۶۱).

۹. دکتر سیدحسین نصر، استاد علوم و معارف اسلامی و پژوهشگر اندیشمند جهانی ایران امروز، که در شناسایی دین و دانش و حکمت و عرفان مسلمانان به مغرب زمین، مصدر برجسته‌ترین خدمات ممکنه بوده که اکنون نیز چنین باشد. دکتر نصر یک سالی استاد من در رشته علوم و معارف اسلامی بود، در خصوص ابوریحان بیرونی نوشته‌های

او برایم بس گرامی است؛ اما دربارهٔ حکیم رازی بهترین و روشن‌گرترین نوشتهٔ وی همانا گفتار معروف «از کیمیای جابری تا شیمی رازی» است (معارف اسلامی در جهان معاصر، تهران، ۱۳۵۳، ص ۹۵ - ۱۰۱) که در آن نتایج تحقیقات استادش هانری گُربن را هم بازتاب می‌کند؛ و نیز شرح حال موجز رازی افزون بر گزارش «سنت کیمیایی» وی که هم چگونه آن را به «شیمی نوین» فرارویاند (علم و تمدن در اسلام، ترجمهٔ احمد آرام، تهران، ۱۳۵۰، ص ۲۹ - ۳۰ و ۲۹۱ - ۳۰۶) از نمونه‌های والای پژوهش علمی در این موضوع است.^{۱۰} لیکن دکتر نصر در کتاب گرانمایهٔ دیگر خود نظر متفکران اسلامی دربارهٔ طبیعت (تهران، خوارزمی، ۱۳۵۹) که لابد انتظار می‌رفت یا می‌رود از «حکمت طبیعی» رازی هم در جزو متفکران اخوان الصفا، ابوریحان بیرونی و ابن سینا سخن بگوید، به دلایلی دم فرو بسته و توان گفت که رازی را مشمول «توطئهٔ سکوت» ساخته است. شاید علت این باشد که استاد دکتر نصر نسبت به حکمت دهری و مادی، به طور اعم، و نسبت به دین‌گریزی و پیامبر ستیزی حکیم رازی به طور اخص حساسیت دارد، و گویی از این بابت بغضی در گلوی اوست که این از سیرهٔ حکیمان به دور باشد؛ و گرنه چه سبب دارد که به قول انجیل «چون است که خس را در چشم برادر خود می‌بینی، اما چوبی که در چشم خود داری نمی‌بینی» (متی، ۱۰/۲ - ۴) و از کجا که ابوریحان بیرونی در علم طبیعی سرآمدتر از حکیم ری بوده است؟ ولی در نگاه دکتر نصر چون گویا بیرونی طبیعت را «صنع» الهی می‌دانسته، در حالی که رازی آشکارا اعتقادی به ابداع و خلق و صنع نداشته، توفان خشم و کینهٔ استاد الهی و مینوگرای ما را برانگیخته، بدین‌سان او را در جزو متفکران طبیعی ایران لایق تحقیق ندیده است.

۱۰. دکتر مهدی محقق، استاد ادب فارسی و حکمت و کلام شیعی و مورخ علم ایرانی، که رازی‌شناسی در ایران یکسره با نام او پیوند یافته است؛ گفتارهای او به عنوان «رازی در آثار بیرونی، رسالهٔ بیرونی در فهرست کتابهای رازی، تجدید نظر در نام یکی از کتابهای رازی، مقام فلسفی محمد بن زکریای رازی» (بیست گفتار، تهران، ۱۳۵۵) و جز اینها که بیشتر به ویژه در مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات (دانشگاه تهران) چاپ شده بود، سپس جزو ابواب و فصول کتاب گرانقدر فیلسوف ری (تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹) گردید. به علاوه هم دکتر محقق یکی فهرست کتب الرازی بیرونی با فهرست کتابهایی بیرونی (طبع کراوس) و رسالهٔ المشاطه غضنفر تبریزی را طبع و ترجمه کرد (۱۳۶۶) و دیگر کتاب السیره الفلسفیه رازی (طبع کراوس، ترجمهٔ اقبال) را با مقدمه‌ای مبسوط از

نو چاپ کرد (۱۳۷۱) و هم کتاب الشکوک علی جالینوس رازی را با مقدمات و تعلیقات فاضلانه طبع و نشر نموده (۱۳۷۲) و باز هم گفتاری ویژه شرح حال رازی در مجموعه خورشید سواران (تهران، ۱۳۷۱) نوشته؛ آخرین اثر وی همانا کتاب الدراسة التحلیلیه، لکتاب الطب الروحانی للرازی (به زبان عربی و فارسی و انگلیسی) می باشد، که همراه با متن های مخطوط و مطبوع کتاب و مقدمات و فهرس است (دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل، ۱۳۷۸).

■ در ذیل بر رازی شناسان خارجی و داخلی ایران، پنج تن را شایان ذکر می دانیم:

۱. محمد سعید شیخ لاهوری، با کتاب مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلامی، ترجمه مصطفی محقق داماد (تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹) که از آن بهره برده ایم.
۲. فرات فائق عراقی، با کتاب ابوبکر الرازی حیاته و مآثره (بغداد ۱۹۷۳) که تاکنون آن را ندیده ایم.
۳. علی هاشمی، با گفتار «محمد زکریای رازی» (در) ماهنامه کاوه جدید آلمان (ش ۱۳۴۷/۶، ص ۲۱۱-۲۱۷) که ندیده ایم.
۴. محمد وحید دستگردی: با گفتار «محمد زکریای رازی» (در) ماهنامه ارمغان (سال ۱۳۴۸/۳۸، ص ۲۷۳ و ۳۸۱-۳۸۵) که ندیده ایم.
۵. علی اصغر حلبی، با گفتار «زندگانی و شخصیت علمی محمد زکریای رازی» (در) مجله تلاش (ش ۱۳۴۸/۱۷، ص ۶۲-۷۲) که هم ندیده ایم.

[پيوست]

در خصوص «مراجع» یا «منابع» تألیف کتاب، باید به اهل تحقیق و فضل اطمینان دهم که تمامی آثار و کتب و مقالات درباره رازی و «حکمت» وی را (به هر زبان که هست) دیده و خوانده ام، دو سه تایی - فارسی یا عربی - که ندیده ام و اهمیتی هم نداشته اند، آنها را در جای خود با ذکر عنوان یاد کرده ام. منتها طی چهار - پنج سالی که از تألیف این اثر می گذرد، گفتارهایی هم درباره رازی چاپ شده (در واقع آخرین نوشته ها) که ناچار در اینجا به ذکر آنها مبادرت می شود:

۱. گفتار «محسن مهدی» (M.Mahdi) به انگلیسی در نشریه مطالعات شرقیه (بنیاد فرانسوی دمشق)، جلد ۴۸، سال ۱۹۹۶ (ص ۱۴۵-۱۵۳) به عنوان «ملاحظات در باب اصول (= قدماء خمسه) رازی»^{۲۴}، که رئوس مطالب آن عبارت است از: مکتب فلسفی،

اخلاق طبیعی، ضرورت دوین، خلاء بی‌نهایت، دو قسم زمان و مکان، آفرینش اتمی، مبحث حرکت، نقض بر ارسطو، انکار صانع و خالق، دین‌ستیزی، درباره نبوت، جامعه جهال (= مدینه جاهله)، مخالفان اسماعیلی، سرچشمه‌های ایرانی، تطبیقات ایرانی و مکتب ایران‌شهری.

۲. گفتار «پ. واکر» (P. Walker) در دائرة المعارف فلسفه راتلج، ج ۸، سال ۱۹۹۸ (ص ۱۱۰ - ۱۱۲) به مدخل «رازی»^{۲۶}، که در سه بخش است: زندگی و کار، مابعد طبیعی، اخلاق و فلسفه اخلاقی؛ و نیز «واکر» گفتار دیگری دارد به عنوان «مفاهیم سیاسی فلسفه رازی» که گویا ترجمه فارسی آن زیر چاپ است^{۲۷}.

۳. گفتارهای «ال. گودمن»، (L. Goodman) در مراجع مختلف، که اغلب آنها را دیده‌ام و هم در جای خود یاد کرده‌ام؛ وی تفسیرهای غیر متعارفی از تقریرهای فلسفی رازی کرده، از مسأله حدوث دهری عالم یکسره بی‌وقوف است، قدامت خمسه را نگره ارسطویی می‌داند - که هم اینجا باید گفت علت آن است که رساله فلسفه ارسطو بکلی و مطلقاً درباره فلسفه «مغان» ایران بوده است^{۲۸}، و دیگر تأویلات اُسطوری که ما چندان با آنها موافق نیستیم.

پی‌نوشتها

۱ - بیت گفتار (دکتر محقق)، ص ۱۷۵ - ۱۷۶. / فیلسوف ری (همو)، ص ۵ / ۶۴ و ۶۹. / السیرة الفلسفیه، مقدمه (همو)، ص ۲۶ و ۲۷.

۲ - تاریخ علم، ترجمه احمد آرام، ص ۳۶۹.

3- The life and works of Rhazes, Int Cong. Med. (XVII, 1913) London, 1914, pp. 237-268.

4- Arabian Medicine (Lectures delivered in 1919 and 1920), Cambridge, 1921, pp. 43-53.

5- ISIS, 5, 1923, pp. 26-50/ *Archivio di storia della scienza*, 1924, 5, pp. 335-347./ *der ISLAM*, 22, 1935, pp. 281-319. / *Quellen U.Studien Z. Gesch. d. Nature W.U. Med*, 4, 1935 pp. 1-87; 6, 1937, pp. 1-246.

6- *Geschichi der philosophie im Islam*, Stuttgart, 1901/1921. // *The History of philosophy in Islam*, tr. by E.R.Jones, London, 1903/1933.

- 7- Raziana I, *Orientalia*, N.S.,t.5, 1935, pp. 35-56; II, pp. 300-334, 358-378./ *Epitre de Bērūni répertoire des ouvrages de M.b.Z. ar-Razi*, paris, 1936./ *Opera Philosophica (Fragmentaque quae supersunt)*, I, Cahire, 1939.
- 8- *Beitrag Zur Islamischen Atomenlehre*, Berlin, 1936./ *First Encyclopaedia of Islam* (1913 - 1936), I rill, 1987, vol. VI, pp. 1134-1136./ *Inter. Cong. on the Hist. of Science*, VII, 1953, pp. 480-487./ *Dictionary of Scientific Biography*, New York, 1980, vol. 11 (Pi-Ru), pp. 323-326.
- 9- *ISIS*, 23, 1935, PP. 321-356./ *Islamic Culture*, 15, 1941, pp. 45-58.
- 10- *Revue de L Histoire des Religions*, 124, 1941, pp. 142- 190.
- 11- *The Spiritual Physicks of Rhazes*, London, 1950./ *Revelation and Reason in Islam*, London, 1952.
- 12- *Introduction to the history of Sciences*, vol. I, Baltimore, 1927, pp. 609-610.
- 13- *A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate*, Cambridge, 1951, pp. 201-208, 237-240.
- 14- *Vopros i Filosofli*, Moscow,1958, No. 6, pp. 77 - 82.
- 15- *A Study of ar-Razi's medical writing* (With selected texts and English translations), Oxford, 1959.
- 16- *Greek into Arabic* (Essays on Islamic Philosophy), Oxford, 1963, pp. 15-23.
- 17- *Histoire dea Philosophie Islamique*, Paris, 1964, PP.194-201.
- 18- *A History of Muslim Philosophy*, ed. & intr. by M.M. Sharif, Wiesbaden, 1963, v. I, pp. 434-450.
- 19- (in) *Journal of the history of philosophy*, 6, 1968, pp. 15-22.
- 20- (in) *Studia Islamica*, 34, (1971), pp. 5-26./ *Philosophical Form*, 4, (1972), pp. 26-48./ *Essays in Islamic Philosophy and Science*, ed. G. Hourani, Albany, N.Y., 1975, pp. 25-40./ *Encyclopaedia of Islam*, new edn. vol. VII (1994), pp. 474-477./ *History of Islamic Philosophy*, ed. S.H. Nasr & O.Leaman, London, Routledge, 1996, ch. 13, pp. 198-215.
- 21- *The Clossical Heritage in Islam*, London, 1975, pp. 103-106, 182-83, 266, 67, 277.
- 22- *Human,ism in the Renaissance of Islam* (The Cultural Revival during the Buyid Age), 2ed., Brill, 1992./ *Philosophy in the Renaissance of Islam* (Abu Sulaymān al-Sijistānī ard his Circle), Brill, 1988.

۲۳- اینک باید دو تن دیگر را به فهرست مزبور افزود: (۲۱) محسن مهدی (M.Mahdi) با گفتاری به عنوان «ملاحظات در باب اصول رازی» (در) *Bulletin d'Etudes Orientales* (Ins. Fra. Daras), tome XLVII (۲۲ I, 1996, pp. 145-153 (P.Walker) باول والکر (P.Walker) با گفتاری فشرده اما سودمند (در) *Routledge Encyclopedia of PHLIOSOPHY*, 1998, vol.8, pp. 110-112.

- 24- *Science and Civilization in Islam*, pp. 196-7, 268-278./ *Islamic Studies*, pp. 87-89, 91- 92.
- 25- *Bulletin d'Étude s Orientales (Ins. Fra. Damas)*, tome XLVIII, 1996, pp. 145-153.
- 26- *RoutledgeEncy, lopedia of PHILOSOPHY*. 1998, vol. 8.pp. 110-112.

۲۷- ترجمه حاضر به قلم محمد جواد اسماعیلی در کتاب اندیشه سیاسی ایرانی از حلاج تاسجستانی، به کوششی محمد کریم زنجانی اصل توسط نشر کویر آماده توزیع است.

۲۸- ارسطو در کتاب دربارهٔ فلسفه اذعان می‌نماید که بانی فلسفه در جهان همانا «مغان» زردشتی ایران بوده‌اند (که مهم‌ترین و نافذترین مکتب‌های فلسفه هم از سوی آنان پدید آمده است) و آنگاه خود به شرح اصول فلسفی ایشان می‌پردازد؛ قابل توجه «ناباوران» خود باخته ایرانی! و عجالتاً برای آگاهی از این مطلب (در زبان فارسی) می‌توان به گفتار این نویسنده با عنوان «ادوکوس کنیدوسی» (ابوریحان یونان) در ماهنامه دانش و مردم، ش ۲۰/ اسفند ۱۳۸۰ (ص ۵۹۱-۶۰۷) رجوع کرد.

